



# پرفسور مینائی، سلام بایک

خالد - اروجعلی پور

باتفاق زن و تنها دخترش (آفاق) راهی آلمان شود و تا هشتم اسفند ماه سال ۱۳۸۰ که دار فانی را وداع گفت بقیه عمر پربار خود را در شهر (بن) سپری کرد. پرفسور علی مینائی همیشه به ایران و دیار پدری خود تبریز عشق می‌ورزید. بطوریکه در آثار هنری خود امضاء (علی مینائی تبریزی) داشت. به گفته برادش از نخستین روزهای پیروزی انقلاب اسلامی تا واپسین دم حیات (از زمان دولت موقت مهندس بازرگان تا ریاست جمهوری آقای خاتمی) پی در پی تقاضای بازگشت به ایران را داشت که موفق به دیدار وطن نشد و حسرت و آرزوی خود را در دیار غربت به زیر خاک سیاه برد.

شادروان پروفیسور مینائی که بمدت ۵۵ سال از دیدار وطن و مادر خود محروم شده بود وصیت داشت که در تبریز زیر پای مادرش دفن شود. اما با وجود ارسال شناسنامه صادره تبریز و تجدید آن در دوران جمهوری اسلامی و از سوی دیگر حتی با نگهداری جسدش بمدت ده شبانه روز در سردخانه یکی از بیمارستانهای شهر (بن) آلمان، در اثر عدم همکاری سفارت جمهوری اسلامی ایران، از بدی شانس جسد بیجانش نیز روی وطن ندید و تا ابد بنور از خاک مقدس کشور غریبانه دفن شد.

از شادروان پروفیسور مینائی آثار متعدد علمی و پژوهشی و هنری با ارزشی بر جای مانده است که در بخش هنر، علاوه بر رسم تصاویر شخصیت‌های نامی ایران و جهان، در رابطه با فرهنگ آذربایجان، آفرینش صحنه‌های تخیلی برای هر یک از بندهای منظومه حیدربابای شهریار است.

یکی دیگر از آثار این هنرمند فقید تصویر خیالی بابک خرم‌دین است این اثر از دو قسمت تشکیل شده است. نخست چهره بابک با امضاء (علی مینائی تبریزی - ۱۹۶۶) سپس مهر گردی با نوشته (موسقوا شرقشناسلینگ ۱۵۰ ایلیگینه، آذربایجان شرقشناسلارینگ هدیه سی، باکی - ۱۹۷۰).

مشخص می‌شود که نقاش این اثر را به سال ۱۹۶۶ میلادی در باکو خلق کرده و بمناسبت یکصد و پنجاهمین سالگرد تأسیس شرق‌شناسی اتحاد جماهیر شوروی، در سال ۱۹۷۰ از سوی شرقشناسان آذربایجان به آن مرکز در مسکو هدیه شده است.

قسمت دوم و پائین اثر، صحنه صف آرائی بابک و افشین را در دامنه قلعه کلپیر نشان می‌دهد.

بابک سوار بر اسب سفید در لباس رزم، با روحیه مبارزه جویانه و قیافه عالمانه، عارفانه و عاطفی، در پی‌پیش لشکریان خود قرار گرفته و پرچم سرخی نیز در پشت سر بقیه در صفحه ۲۷



دیدهبه جهان حق می‌گشاید و در وادی رحمت تبریز غریبانه به خاک سپرده می‌شود.

علی پس از پایان دوره دانشسرای مقدماتی تبریز بعنوان معلم زبان فرانسه و ورزش بااستخدام وزارت معارف درآمد و خدمت فرهنگی خود را در شهر اردبیل آغاز می‌کند و محل خدمتش بخش (استارای) شهرستان اردبیل در استان آذربایجان تعیین می‌شود.

علی در دوران تحصیل و همچنین خدمت در معارف اردبیل همواره از قهرمانان برجسته زیمناستیک و کشتی کشور محسوب می‌شد و مدال‌های قهرمانی‌اش تا آخر عمر مادر یادگاری از علی در پیش مادر بود.

در پایان جنگ جهانی دوم و وقایع آذربایجان با توجه به اوضاع آشفته و نابسامان کشور از نظر اقتصادی، سیاسی، امنیتی و علمی، و روحیه علم و هنرجویی علی، وی در سال ۱۳۲۵ با استفاده از فرصت از طریق استارای محل خدمت خود راهی باکو شده و با ادامه تحصیل در دو رشته هنرهای زیبا (اینجه صنعت) و معماری تا مرحله پروفیسوری در هر دو رشته پیش می‌رود.

به گفته برادش عشق و علاقه به هنر نقاشی از دوران کودکی در وی مشاهده می‌شد.

بطوریکه از دوران تحصیل در دانشسرای مقدماتی تبریز تابلوهای بزرگی در این مرکز علمی از خود بیادگار گذاشت که تا چندی پیش باقی بود.

استعداد و ذوق هنری وی باعث شد که در دوران خفقان شوروی سابق از آن کشور مأموریت‌های بیرون مرزی داشته باشد. آخرین مأموریت وی در بیرون از مرزهای آهنگین آن جماهیر سوسیالیستی، کشور عراق بود که معماری چندین بنای عظیم فرهنگی در آن کشور به عهده وی گذاشته شده بود.

با آغاز جنگ ایران و عراق و تعطیلی پروژه‌های عمرانی در آن کشور، از سوی دیگر عدم امکان تحمل جو حاکمیت شوروی باعث شد پروفیسور علی مینائی تبریزی

پروفیسور علی مینائی به سال ۱۳۰۲ شمسی در (ایجری شهر) باکو تولد یافت.

پدرش نصرالله از سعیدآباد (سیداوا) تبریز بوده که در تشکیلات نفت باکو کار می‌کرد. مادرش منظر خانم، از تغلیس گرجستان است.

حاصل این ازدواج ۳ فرزند ذکور (علی، قاسم، اسرافیل) بوده که علی پسر بزرگ خانواده است. (هم اکنون قاسم بازنشسته راه‌آهن تبریز و اسرافیل بازنشسته آموزش و پرورش در قزوین سکونت دارند).

پدر باتفاق اعضای خانواده، در ۷ و ۱۰ سالگی علی به تبریز آمده و بار دوم در کوچه (دالان حاج رضا)ی این شهر ماندگار شده‌اند.

نصرالله در ایران برای امرار معاش خود و خانواده‌اش در احداث راه‌آهن مازندران مشغول به کار بوده که در ریزش تونل ۵۴ جان خود را از دست می‌دهد و در مزار گمنامی به خاک سپرده می‌شود.

پس از این اتفاق ناگوار منظر خانم مسئولیت سرپرستی سه فرزند خود را عهده‌دار می‌شود و سرانجام پس از ده‌ها

از شادروان پروفیسور مینائی آثار متعددی علمی و پژوهشی و هنری با ارزشی بر جای مانده است که در بخش هنر، علاوه بر رسم تصاویر شخصیت‌های نامی ایران و جهان، در رابطه با فرهنگ آذربایجان، آفرینش صحنه‌های تخیلی برای هر یک از بندهای منظومه حیدربابای شهریار است. یکی دیگر از آثار این هنرمند فقید تصویر خیالی بابک خرم‌دین است

سال دست و پنجه با ناملایمات روزگار چندی پیش